

نماد مذهبی در مراسم تاجگذاری شاهان ساسانی

دکتر نادر میر سعیدی

استادیار گروه تاریخ دانشکده علوم انسانی واحد تهران مرکز

دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکز، تهران، ایران

فاطمه داود آبادی

دانشجوی کارشناسی ارشد رشته تاریخ ایران باستان

دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز، تهران، ایران

فغانه یوسفی (نویسنده مسئول)

دانشجوی کارشناسی ارشد رشته تاریخ ایران باستان

دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز، تهران، ایران

چکیده

سلسله ساسانیان، بنیان گذار رستاخیز فرهنگی عظیمی بود که بر دین و آداب ملی تکیه داشت. بقایای ویرانه های عظیم کاخ ها، شهرها، کتیبه ها و نقوشی که از آن ها در سینه صخره ها و درون غارها به جا مانده و ظروف زینت آلات گرانبهای سیمین وزین موزه های جهان بهترین نشانه آثار هنری تمدن عالی آنان است.

هدف عمده در این مقاله با بررسی مراسم تاجگذاری تمامی شاهان ساسانی از لحاظ شکل تاج ها، مراسم مذهبی و کسانانی که در این مراسم شرکت داشته اند و نقش باورها و اعتقادات ساسانیان است. با بررسی آثار و شواهد و مطالب و مدارک موجود، این نتیجه به دست می آید که هر پادشاه دوره ساسانی، برای بدست آوردن تخت شاهی مراسم ویژه و با شکوهی در روزهای خاص و مقدس ایرانیان آن زمان که روز مهرگان و روز نوروز بوده است، انجام می گرفته است و یا بعضی نیز برای بدست آوردن تاج و تخت شاهی مدتها می جنگیدند تا بتوانند تاج شاهی را بر سر بگذارند. اعتقادی که در دوره ساسانی بوده است، این که شاهان این منزلت پادشاهی را از ایزدان می گرفتند و با عهد و پیمان و گرفتن حلقه از ایزدان، نماینده آنها در مملکت می شدند.

واژگان کلیدی: مراسم دوره ساسانی، شاهان ساسانی، نماد مذهبی، ساسانیان.

مقدمه

دربار پادشاهان ساسانی مانند دربار هخامنشی بسیار شکوهمند، پر تشریفات، با ابهت و جلال بوده و همان طور که به گسترش حوزه ی فرمانفرمایی و اعمال نفوذ و قدرت کوشا بودند به تشریفات ظاهری دربار و القاب و عناوین پایتخت و کاخ شاهنشاهی و طرز لباس و تاج مقید بوده اند و حتی در کتیبه ها و نامه های متبادله نیاز این مراسم و عناوین منعکس است. (سامی، ۱۳۸۹:ص ۹)

همه ی پادشاهان ایران را صاحب فرّ (نیروی خدایی که مؤید فرمانروایان بود و بدون آن نمی توانستند قانوناً حکومت کنند) می شمردند و همه ی دین زردشتی را اساس سیاست و کشورداری و همزاد دولت ساسانی وا می نمودند. (شهبازی، ۱۳۸۹:ص ۷۸)

هر پادشاه ساسانی هنگام مراسم تاجگذاری حلقه ای را از نماد ایزدی دریافت می کرد که با استناد به نقش برجسته ها و کتیبه ها و سکه ها و... می توان به نقش باورهای دینی در همه ی امور آن زمان به ویژه مراسم تاجگذاری پادشاهان پی برد.

ساسانیان و مراسم تاجگذاری

با استقرار خاندان ساسانی بر تخت سلطنت، ساختار تازه ای از قدرت و حاکمیت در ایران شکل گرفت. این ساختار از ابتدا مبتنی بر اتحاد دین و دولت بود اما در مدت بیش از چهار قرن حکمرانی این سلسله همواره روند یکنواخت نداشت. (زرین کوب، ۱۳۹۰:ص ۲)

اردشیر به اعتبار پیوندهای مذهبی اش این امکان را یافت که اولین فردی باشد که خود را در حال دریافت تاج پادشاهی از اهورامزدا تصویر کند. صحنه ای که حتماً در سنگ نگاره های هخامنشی نیز تصویر نشده است. (دریایی، ۱۳۹۱:ص ۲۲)

وقتی نخستین پادشاه ساسانی، اردشیر اول سلطه ی سیاسی را در ایران و بخش هایی از بین النهرین تثبیت کرد، یک دغدغه ی اصلی و فوری، امر ایجاد تصویرها و خاندان متمایز و تاجگذاری آن بود. نخست، در سکه ها و کنده کاری ها و سپس در نقش برجسته های عظیم کنده بر صخره ها و بر ظروف نقره، از اقتدار ساسانی و پادشاهی اش عرضه کرد. تقریباً هزار سال پیش تر فرمانروایان جدید هخامنشی در ایران به همین صورت کوشیده بودند تا تصویر قابل رؤیت یگانه ای از شاهنشاهی در مَهرها و سکه ها و تندیس پدید آورند. در قرن دوم پیش از میلاد،

مهرداد اول نخستین پادشاهی که بر وسیع ترین پهنه ی شاهنشاهی پارتیان فرمان راند، با تولید تصاویر دودمانی متمایزی بیانیه ی سیاسی مشابهی ارائه داد. حرکت به سوی ترکیبی ساده تر را می توان در نقش برجسته ی اردشیر دید، در دیوارنگاری تاج گذاری اردشیر در نقش رستم به دقت نقش بسته است. (استوارت، ۱۳۹۲: ص ۹۲)

شاهان ساسانی چون خود را زاده ی خدایان و حمایت شده ی اهورامزدا می دانستند که ریاست عالیه ی جامعه ی دینی را نیز داشته باشند، قدرت سلطنت بیشتر محدود به تکلیف و وظایف دینی و اخلاقی بوده است. نفوذ موبدان در دربار ساسانی به حدی بود که تا به سلطنت کسی رأی نمی داد پادشاه نمی شد، آن گاه باید تاج به دست خود او بر سر پادشاه گذارده می شد و حق داشت که پادشاه را خلع کند. (سامی، ۱۳۸۹: ص ۵۵)

گماردن اوهرمزد، اردشیر را به شاهنشاهی را در دو محل دیده می شود: یکی در نقش رجب و دیگر در نقش رستم در کنار دخمه های سلاطین هخامنشی. در نقش رجب اوهرمزد (اهورامزدا) حلقه ی سلطنتی را در دست راست گرفته، و عصای پادشاهی را در دست چپ و هر دو علامت شاهی را به شاهنشاه عطا می کند. شاه آن حلقه و ابا دست راست گرفته و دست چپ را برافراشته انگشت سبابه را به نشانه ی احترام و اطاعت به طرف جلو دراز کرده است. خدا تاج زرین کنگره دار بر سر دارد، خدا شاه و سایر اشخاص آن نقش پیاده اند، مجلس برجسته ی نقش رستم خیلی بهتر از نقش رجب محفوظ مانده است، در این نقش اهورمزد و شاه سوار اسب هستند. حبشه اسبان به نسبت سواران کوچک تر از حد طبیعی است. اوهرمزد، در این جا هم مثل نقش رجب عصای پادشاهی را به دست چپ گرفته و حلقه ی سلطنتی را با دست راست به جانب شاه دراز می کند. شاه حلقه را با دست راست گرفته و با دست چپ مراسم احترام را به جا می آورد. (وندن برگ، ۱۳۹: صص ۲۴ و ۲۵) پادشاهان ساسانی، هنگام تاجگذاری پیاده به زیارت آتشکده (آذرگشنسب) می رفتند و هدایای گرانبهای زیادی تقدیم آن می کردند. (سامی، ۱۳۸۹: ص ۲۹۱)

زمان تاجگذاری، به احتمال فراوان در دو عید نوروز و مهرگان صورت می پذیرفت. آیین تاجگذاری یا در نخستین روز نوروز یا مهرگان برگزار می شد. (دریایی، ۱۳۸۳: ص ۱۱۳)

شاه ساسانی هنگام جلوس به تخت سلطنت، سوگند یاد می کرده است که عدل و داد ورزد و مزارع از آن خویش نداشته باشد و بازرگانی نکند، بنده و برده را به مهمات امور خویش نگمارد. (سامی، ۱۳۸۹:ص ۲۱) به هنگام تاجگذاری درباریان به شاه شادباش می گفتند و در پاسخ شادباش دولتمردان (شاهان) خطابه ای در تفضیل کشورداری، در عدالت، گسترش ضرورت فرمانبرداری از پادشاه و موضوعات مشابه ایراد می کردند. (آموزگار، ۱۳۸۶:ص ۲۶۴)

اردشیر بابکان پس از جلوس به مسند شاهی (سال ۲۲۴) از جمله تغییراتی که به وجود آورد، اصلاح تقویم بود. به این ترتیب که با وارد کردن پنج روز اضافی به سال آن را ۳۶۵ روز کرد. (رضی، ۱۳۸۰:ص ۳۱۲)

سلطنت شاپور، در واقع از اواخر سلطنت پدرش آغاز شد. چرا که اردشیر بعد از فتح هتره سلطنت را به پسر سپرد و خود کناره گرفت. شاپور چون هنوز پدرش زنده بود به احترام نام او تاجگذاری نکرد، بعد از مرگ پدر یا حتی بعد از پایان اولین جنگی که با روم کرد، فرصت برای این تشریفات یافت، قبل از آن در مدت سه سال با آن شاهنشاه بود و هنوز رسماً تاج بر سر نهاد. (زرین کوب، ۱۳۷۷:ص ۴۲۶)

در نقش سوم، نقش رجب تاجگذاری شاپور اول را نشان می دهد. شاهنشاه نشانه ی پادشاهی را از دست اهورامزدا می گیرد، شاه و خدا هر دو سوار بر اسب اند. (وندن برگ، ۱۳۹۰:ص ۲۴) تاجگذاری رسمی شاپور در سال ۲۴۲م صورت گرفت. بنا به روایت ابن الندیم، نخستین خطبه ی مانی در روز جلوس شاپور یعنی یکشنبه اول نیسان که آفتاب در برج حمل قرار داشت، ایراد شد. (کریستین سن، ۱۳۸۹:ص ۱۹۳)

تاجگذاری بهرام اول نیز در نقش برجسته ای در سنگ شاهپور هست که بهرام اول را در حالی که اوهرمزد (خدا) مقام شاهی را به او عطا می کند، نشان می دهد. خدا در این نقش برجسته تاجی گنگره دار بر سر نهاده است که شاه حلقه را که اوهرمزد به جانب او دراز کرده، می خواهد بگیرد. (کریستین سن، ۱۳۸۹:ص ۲۳۵)

از بهرام دوم چند نقش برجسته باقی گذاشته مانده است که تنها یکی از نقش ویژه تاجگذاری است. در نقش رستم، در کنار صورت تاجگذاری اردشیر اول، سنگنبشته ای است، کوچک تر از

آن که به امر بهرام حجاری شده و شاه را پیاده در وسط خانواده اش نشان می دهد. (مشکور، ۱۳۸۸:ص ۲۴۱)

بهرام سوم چون مدت پادشاهی اش کوتاه بود نتوانست که به سنت پادشاهان ساسانی سنگنبشته ای را حجاری کند، نرسی که پسر شاپور اول بود، با قیام موفقیت آمیز او علیه بهرام سوم به قدرت رسید، وقتی نرسی از ارمنستان به سوی تیسفون آمد عده ی زیادی از بزرگان و نجبا که مخالف نفوذ موبدان بودند، در پایکولی از وی استقبال کردند و برای شرکت در مراسم تاجگذاری تا پایتخت موکب او را همراهی کردند، به فرمان نرسی برای جاودان کردن خاطره یک کتیبه ی دو زبانه (پهلوی و پارتی) در محل پایکولی نقر گردید. (زرین کوب، ۱۳۹۰:ص ۳۵)

نرسی چگونگی تاجگذاری پادشاهی خداداد خود را بر تخته ی سنگی در نقش رستم حجاری کرده است. در این حجاری که یادبودی از آیین تاجگذاری نرسی است، نرسی، حلقه ی شاهی را که نوار چین داری به آن نصب شده است و نشانه ی سلطنت می باشد با دست راست گرفته است. (وندن برگ، ۱۳۹۰:ص ۲۶)

تاجگذاری شاهان ساسانی با هم متفاوت است، تعداد تاجگذاری را به روی سنگ ها حکاکی کردند و تعدادی با سکه ها و تاج های آن می توان زمان تاجگذاری و مدت سلطنت را تشخیص داد.

پادشاهان ساسانی به طرق مختلف تاج را بر سر می نهادند، به طوری که شاپور دوم که قبل از به دنیا آمدنش پادشاه بوده و بهرام پنجم که بنا به روایت داستانی برای به دست آوردن تاج شاهی بر شیران غلبه کرده و تاج را به دست آورد.

در مراسم تاجگذاری پیروز، بنا به آنچه وندن برگ نوشته است: شاه حلقه را هم از آناهیتا می گیرد و هم از اهورامزدا. تاجگذاری پیروز در طاق بستان قرار گرفته است. در حجاری طاق بستان، شاه با آرامش بسیار و پر جلال در وسط ایستاده و اهورامزدا حلقه ی سلطنت را که نواری به آن آویزان است به او می دهد. در طرف چپ، نقش زنی است که قطعاً الهه ی آناهیتا است و حلقه ی پادشاهی را به او اهدا می کند. (وندن برگ، ۱۳۹۰:ص ۳۱)

کواذ و پسرش خسرو انوشیروان با رسیدن به تخت شاهی، به اصلاح امور مردم عادی پرداختند و وصول مالیات را تخفیف داده و به اصلاح امور داخلی مملکت پرداختند به طوری که خسرو انوشیروان مالیات ها را تعدیل و به آبادانی پرداخت و به او لقب عادل دادند. در فاصله ی مرگ خسرو دوم تا جلوس یزدگرد سوم نزدیک به دوازده نفر بر تخت نشستند، در این مدت کوتاه چهار ساله شاهان بازیچه هایی در دست سرداران بودند، تاج بر سر می نهادند و چند ماه بعد کشته می شدند، چون مرد کم آمد، زنان را بر تخت نشاندند.

تاجگذاری یزدگرد سوم در استخر انجام شد، به طوری که بزرگان استخر او را پادشاه خواندند و در آتشکده ی آن جامعه که معروف به آتشکده ی اردشیر بود، تاج بر سر او نهادند. هواخواهان او به جانب تیسفون روی آوردند و آن شهر را گرفتند، یزدگرد به مدت پانزده سال پادشاهی کرد و بر تخت سلطنت نشست.

در این زمان، اعراب که به فکر گسترش دین اسلام بودند حملات خود را به ایران افزایش داده بودند. یزدگرد آخرین شهریار ساسانی شد و سقوط امپراتوری بزرگ ساسانی انجام گرفت. یزدگرد سوم زن و فرزندان خود را به چین فرستاد و پیروز پسر یزدگرد سوم با کمک چینیان توانست دولت پارسی را با پایتخت زرنگ به وجود آورد، اما چند سال بیشتر توان مقاومت با اعراب را نداشت و به دربار فغفو بازگشت و این نشان دهنده ی شکست او از اعراب است.

نتیجه گیری

پادشاهان ساسانی از اردشیر بابکان تا یزدگرد سوم برای رسیدن به تاج و تخت شاهی مراسمی را اجرامی کردند . که این مراسم به علت مهم بودن آن در روزهای خاص که برای همگان عزیز بود، انجام می شد . به طوری که در روز مهرگان و اول فروردین که روز جشن ایرانیان باستان بوده، مراسم تاجگذاری را به این روزها موکول می کردند که برای مردمان باستان گرامی بوده است. پادشاهان ساسانی که اولین آنها اردشیر بابکان بود، دولتی بنیان نهاد که عجین با دین و مذهب بوده است و این نگرش برای دیگر پادشاهان ساسانی ادامه داشته است .همه پادشاهان ساسانی برای رسیدن به تاج و تخت شاهی خود را صاحب فرمی دانستند و به اعتقاد آنها، این نیرو را اهورامزدا به آنها عطا می کرد . این مسأله برای شاهان ساسانی بسیار مهم بوده است که مراسم

تاجگذاری را با حضور خدایان در نقش برجسته و سنگ نبشته حک کرده اند که به عنوان یک هنر و اثر دوران ساسانی باقی مانده است و در مراسم تاجگذاری نقش اصلی را داشته است. اهورامزدا را به صورت انسانی که تاج افشانی دارد، نشان می دادند که حلقه شاهی را به پادشاه در مراسم تاجگذاری عطا می کند. شاهان ساسانی خود را زاده ی خدایان و حمایت شده اهورامزدا می دانستند. به طوری که هر پادشاه ساسانی وقتی به تخت شاهی می رسید به زیارت ائشکده می رفت و هدایایی تقدیم آن می کرد.

در مراسم تاجگذاری بزرگان و موبدان گرد می آمدند و به شاه شادباش می گفتند و برای او دعا می کردند. شاه نیز سوگند یاد می کرد که عدل و داد ورزد .

پادشاهان ساسانی ، با شکوه و جلال مخصوص در جهان شهریاری می کردند و کمتر پادشاهان کشورهای دیگر تجمل های ایشان را داشته اند. هر یک از شهریاران ساسانی تاج های زراندود با سنگ های گران قیمت داشته اند. بعضی از شاهان تاجهای آن قدر سنگین داشتند که به تخت آنها با نخ های ظریف آویزان می کردند.

آنها برای رسیدن به تخت و تاج شاهی مبارزه میکردند. نومه آن داستان بهرام پنجم است که تاج را در قفس شیران گذاشت و بر شیران غلبه کرد و تاج شاهی را بدست آورد.

پادشاهان ساسانی وقتی به تاج و تخت می رسیدند، در مراسم تاجگذاری بر طبق مقتضیات آن زمان تغییراتی را در وضع مملکت به وجود می آوردند به طوری که بهرام پنجم هنگام جلوس در مراسم تاجگذاری مالیات معوقه را بخشید و یک ثلث از مالیات سال را در مراسم تاجگذاری تخفیف داد و یا مراسم تاجگذاری را به علت های خاصی، سالها، به تعویق می انداختند که شاپور اول چند سال بعد از این که به تخت شاهی جلوس کرد ، مراسم تاجگذاری را انجام داد. ناگفته نماند علت دیگر آن، احترامی بود که به پدرش اردشیر داشت و تا اردشیر زنده بود مراسم تاجگذاری را انجام نداد. اما شاپوردوم نخستین و آخرین پادشاهی است که مراسم تاجگذاری او قبل از به دنیا آمدنش انجام شده بود و از بدو وجود تا موقع مرگ، پادشاهی داشت. از دوره شاپور دوم به بعد به علت نزدیکی روحانیان و اعیان و اشراف از یک سو و قدرت پادشاهان ساسانی از سوی دیگر نوساناتی

در وضعیت پادشاهان به وجود آمد. در فاصله بین مرگ خسرو دوم تا جلوس یزدگرد سوم نزدیک به دوازده نفر بر تخت نشستند، تاج بر سر می گذاشتند و مراسم تاجگذاری را انجام می دادند. چند ماه بعد کشته می شدند چون مردم کم می آمد، زنان را بر تخت می نشاندند تا به جلوس یزدگرد سوم رسید مراسم تاجگذاری یزدگرد سوم در استخر بوده و در آتشکده های که در آن جا بود و معروف به آتشکده اردشیر بود، انجام می گرفت. بزرگان استخر تاج بر سر او نهادند و برای مراسم تاجگذاری او هواخواهانش به جانب تیسفون آمدند و آن شهر را گرفتند، یزدگرد سوم بر تخت شاهی نشست ایرانیان را عادت این بود که تاریخ را از سال جلوس هر پادشاه به حساب می آوردند. وقتی بعد از یزدگرد سوم ایران پادشاهی نداشت، زردشتیان همان سال جلوس یزدگرد سوم را مبدا تاریخ خود قرار داده که تا این زمان آن را دنبال کردند و آن را تاریخ یزدگردی می خوانند.

پادشاهان ساسانی بعد از مراسم تاجگذاری و رسیدن به تخت و تاج سکه به نام خود ضرب می زدند. و از سکه های این دوران می توان زمان تاجگذاری و مدت حکومت هر کدام از پادشاهان ساسانی را تشخیص داد.

منابع و مأخذ

- ۱- انصاری، جمال، (۱۳۸۹). هنر و معماری ایران، تهران: سبحان نور.
- ۲- آموزگار، ژاله، زبان، (۱۳۸۶) فرهنگ، اسطوره، تهران: معین.
- ۳- امینی، امین، (۱۳۸۹) سکه های ساسانی، تهران: پازینه.

- ۴------ (۱۳۹۲). سکه های آخرین شاهان ساسانی، تهران: پازینه.
- ۵-باقری، مهري. (۱۳۸۹). دین های ایران باستان، تهران: قطره.
- ۶-بیانی، شیرین. (۱۳۸۲). تاریخ باستان ۲، تهران: قطره.
- ۷-پیرنیا، حسن. (۱۳۸۴). تاریخ ایران قبل از اسلام، تهران: سمت.
- ۸-پورداوود، ابراهیم. (۱۳۴۱). آناهیتا، ترجمه مرتضی گرجی، تهران: اساطیر.
- ۹------ (۱۳۸۰). هرزدنامه، تهران: اساطیر.
- ۱۰------ (۱۳۸۲). زین ابزار جنگ ابزارهای باستانی ایران، ترجمه عبدالکریم جریزه دار، تهران: اساطیر.
- ۱۱-پوپ، آرتور. (۱۳۷۳). معماری ایران، ترجمه غلام حسین اقشاری، تهران: فرهنگان.
- ۱۲------ (۱۳۸۰). شاهکارهای هنر ایران، ترجمه پرویز ناتل خانلوی، تهران: علمی و فرهنگی.
- ۱۳-تفضلی، احمد. (۱۳۸۵). جامعه ساسانی، تهران: نی.
- ۱۴------ (۱۳۸۹). تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام، تهران: سخن.
- ۱۵-حمزه اصفهانی، حسن. (۱۳۶۷). تاریخ پیامبران و شاهان، ترجمه جعفر شعار، تهران: امیر کبیر.
- ۱۶-خواند میر. (۱۳۶۲). تاریخ حبیب السیر، ترجمه دبیر سیاقی، تهران: حیدری، چاپ اول.
- ۱۷-دریایی، تورج. (۱۳۹۲). شاهنشاهی ساسانی، ترجمه مرتضی ثاقب فر، تهران: فقنوس.
- ۱۸-رجبی، پرویز. (۱۳۹۱). جشن های ایرانی، تهران: آرتامیس.
- ۱۹-رضی، هاشم. (۱۳۸۰). گاه شماری و جشن های ایران باستان، تهران: بهجت.
- ۲۰-زرین کوب، عبدالحسین. (۱۳۷۷). تاریخ مردم ایران از پایان ساسانیان تا پایان آل بویه، تهران: امیر کبیر.
- ۲۱------ و زرین کوب. (۱۳۹۰). روزبه، تاریخ سیاسی ساسانیان، تهران: سمت.
- ۲۲-زرنه، آرسی. (۱۳۷۵). طلوع و غروب زردشتی گری، ترجمه تیمور قادری، تهران: فکروز.

- ۲۳- سامی، علی. (۱۳۸۹). تمدن ساسانی، تهران: سمت، چاپ ۲۰.
- ۲۴- شییمان، گلاروس. (۱۳۸۳). تاریخ شاهنشاهی ساسانی، ترجمه فرامرز نجد سمیعی، تهران: سازمان میراث فرهنگی و گردشگری.
- ۲۵- شهبازی، شاهپور. (۱۳۸۹). تاریخ ساسانیان، تهران: نشر دانشگاهی.
- ۲۶- صفا، ذبیح الله. (۱۳۶۴). آیین شاهنشاهی ایران، تهران: دانشگاه تهران.
- ۲۷- طبری، محمد بن جریر. (۱۳۹۰). تاریخ الرسل والملوک، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: اساطیر.
- ۲۸- کریستین سن، آرتور امانویل. (۱۳۷۴). سلطنت قباد و ظهور مزدک، ترجمه احمد بیرشک، تهران: طهوری.
- ۲۹- ----- (۱۳۸۹). ایران در زمان ساسانیان، ترجمه رشید یاسمی، تهران: نگاه.
- ۳۰- گیرشمن، رومن. (۱۳۷۹). بیشاپور، ترجمه اصغر کریمی، تهران: میراث فرهنگی، چاپ ۱۰.
- ۳۱- ----- (۱۳۸۸). ایران از آغاز تا اسلام، ترجمه محمد معین، تهران: معین.
- ۳۲- گداره، آندره. (۱۳۷۷). هنر ایران، ترجمه بهروز حبیبی، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- ۳۳- فن کال، هوبوس. (۱۳۷۸). جنگ سواران، ترجمه فرامرز نجد سمیعی، تهران: نسیم دانش.
- ۳۴- فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۸۴). شاهنامه، تهران: هرمس، چاپ ۱۰.
- ۳۵- مشکور، محمد جواد. (۱۳۸۸). تاریخ سیاسی ساسانیان، تهران: دنیای کتاب، چاپ ۱۰.
- ۳۶- ----- (۱۳۸۹). کارنامه اردشیر بابکان، تهران: دنیای کتاب.
- ۳۷- مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین. (۱۳۷۸). مروج الذهب، تهران: علمی و فرهنگی، چاپ ۱۰.
- ۳۸- نولد که، تئودور. (۱۳۷۸). تاریخ ایرانیان و عرب ها در زمان ساسانیان، ترجمه عباس زریاب، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ۳۹- نفیسی، سعید. (۱۳۸۴). تاریخ تمدن ایران ساسانی، ترجمه عبدالکریم جریزه دار، تهران: اساطیر.
- ۴۰- نیکنام، کورش. (۱۳۷۹). از نوروز تا نوروز آیین ها و مراسم سنتی زرتشتیان ایران، تهران: فروهر.

۴۱- وثوقی، محمد باقر. (۱۳۸۳). بررسی منابع و مآخذ تاریخ ایران پیش از اسلام، تهران: دانشگاه پیام نور.

۴۲- وندن برگ، لویی. باستان شناسی ایران باستان، ترجمه عیسی بهنام، تهران: دانشگاه تهران.

۴۳- هینلر، جان. (۱۳۸۵). شناخت اساطیر ایران، ترجمه ژاله آموزگار، احمد تفضلی، تهران: نشر چشمه.

۴۴- هومان، جورجینا. (۱۳۷۳). تجدید حیات هنر و تمدن در ایران باستان، ترجمه مهرداد وحدتی، تهران: دانشگاه تهران.

۴۵- یارشاطر، احسان. (۱۳۹۲). تاریخ ایران کمبریج، ترجمه حسن انوشه، تهران: امیرکبیر، چاپ ۱۰

مقالات

۱. استوارت، سارا- کریستین، وستا سرخوش. (۱۳۹۲) شگل گیری وایدئولوژی دولت

ساسانی، ساسانیان، ترجمه کاظم فیروز مند، تهران: مرکز.

۲. ایناسترانتیسف، کاستانتین. (۱۳۹۱) عید بهار ساسانیان، تحقیقاتی درباره ساسانیان،

مترجم کاظم کاظم زاده، تهران: علمی و فرهنگی.

۳. دریایی، تورج. (۱۳۹۱) فرزندان و نوادگان یزد گرد سوم در چین؛ ناگفته های ساسانیان

، ترجمه آهنگ حقانی و محمود فاضلی، تهران: پارسه.

۴. کرباسیان، ملیحه- کریمی، محمد. (۱۳۸۴). کرتیر و سیاست اتحاد دین و دولت در دوره

ساسانی؛ بدعت گرایی و زندقه در ایران عهد ساسانی، تهران: نشر اختران.



